

**خدای زنده**

**جلد دوم**

**بخش صعود و نزول روح القدس**

**فصل سوم :**

**عید پنجاهه : آغاز نزول روح القدس**

سطح عالی

بخش ششم

## صعود مسیح و آمدن روح القدس

قسمت اول : روح القدس کیست ؟

فهرست

۴۳۹	فصل سوم: عید پنجاهه: آغاز نزول روح القدس
۴۳۹	قسمت اول: معکوس پنطیکاست = برج بابل
۴۴۲	قسمت دوم: پنطیکاست
۴۴۲	الف - کمال عید گذر، روز پنجاهه
۴۴۳	ب - شهادت پطرس
۴۴۴	ج - تعمق کلیسا
۴۴۶	د - زبانه های آتشین
۴۵۰	ح - آتش در کلیسا!
۴۵۱	خلاصه ی تعلیمات رسمی

## فصل سوم

# عید پنجاهه: آغاز نزول روح القدس

### قسمت اول

### معکوس پنطیکاست: برج بابل

تفرقه در روح حیوانی بود نفس واحد روح انسانی بود (مثنوی، اول، ۱۸۸)

(قبل از خواندن متن زیر، پیدایش باب ۱۱ را بخوانیم)

برای درک اهمیت آن چه روح در روز پنطیکاست برای انسان ها به همراه آورد باید به بی نظمی دنیا وقوف کامل داشته باشیم. دنیای عاری از شعور و نظم مانند عکس بزرگ قطعه قطعه شده ای به نظر می رسد که ترتیب آن به هم خورده و معنای خود را از دست داده است. مکاشفه ای که در کتاب مقدس آمده، آشفتگی دنیایی را که خدا به صورت کیهان ساخت (لغت «کاسموس») قبل از آن که به معنای کیهان باشد معنای نظم و هم آهنگی را می دهد. در روایتی برای ما شرح می دهد. این روایت از لحاظ تاریخی به زمان خاصی تعلق ندارد ولی بیانگر حقیقتی عمیق است چون علل و ریشه های بی نظمی دنیا را نشان می دهد. این روایت، سرگذشت برج بابل است (پید: ۱۱).

«تمام جهان را یک زبان و یک لغت بود...» انسان ها در حال کوچ دائمی در پی یافتن غذا بودند و در همین حال به سرزمینی هموار، سرزمین شنعار در بین النهرین (در عراق امروزی) رسیدند که وفور ثروت طبیعی چون نخلستان های بزرگ واقع در کنار آب (رودهای دجله و فرات) معاش آنها را به سهولت تضمین می نمود. آنها تصمیم گرفتند در آنجا مستقر شوند: پس این خاک و این آب و این آفتاب برای آنها اختراع آجر را میسر نمود: «بیایید خشت ها بسازیم و آنها را خوب بپزیم» (پید: ۱۱: ۳) یا آنها را در آفتاب خشک نماییم. سکونت در این سرزمین، سبب کشف ماده ی دیگری به نام قیر شد و به این ترتیب آنها همه چیز برای ساختن ساختمان ها و بنای شهری زیبا در اختیار داشتند که به صورت شهر بابل در آمد. (شهر بابل در آخر قرن سوم ق. م یکی از مراکز بزرگ تمدن شد). ساکنان این شهر، فرهنگی غنی داشتند و به معلومات فنی خود می بالیدند (باغ های معلق بابل یکی از عجایب هفتگانه ی دنیا به شمار می آید). بابلیان که مغرور به علم خود و مطمئن از خود بودند تصور می کردند به تنهایی تا آسمان خواهند رسید. بنابراین، برای ساختن «برجی که سرش به آسمان برسد» اقدام کردند. آنها می گفتند: «نامی برای خود پیدا کنیم» («نام» به معنای شهرت و اقتدار) تا برای حکمرانی بر تمام دنیا قدرتی الهی کسب نمائیم. آنها به اندازه خدا قدرتمند بودند

که دیگر احتیاجی به خدا نداشتند، آنها علم داشتند و شهرت خود را جانشین خدا کرده بودند. خدا با تبسم گفت: «همانا قوم یکی است و جمیع ایشان را یک زبان و این کار را شروع کرده اند و الآن هیچ کاری که قصد آن بکنند از ایشان ممتنع نخواهد شد. اکنون نازل شویم و زبان ایشان را در آنجا مشوش سازیم تا سخن یک دیگر را نفهمند» (پید ۶: ۷-۶). آن گاه، انسان ها از «بنای شهر بازماندند» و «خداوند ایشان را از آن جا بر روی تمام زمین پراکنده ساخت». از این سبب آن جا را بابل نامیدند (لغت بَلْبَل به معنای به هم زدن، به هم ریختن و نام طنز آمیز بابل در واقع «دروازه خدایان» معنی داشت.) «زیرا که در آن جا خداوند لغت تمامی اهل جهان را مشوش ساخت و خداوند ایشان را از آن جا بر روی زمین پراکنده نمود» (پید ۹: ۱۱).

اکنون ما خود را در تمام دنیا پراکنده و جدا از هم می یابیم، انسان ها یک دیگر را درک نمی کنند؛ نژادها و ملیت ها، طبقات اجتماعی، ایدئولوژی ها از یک دیگر تنفر داشته با هم مبارزه می نمایند و به کشتن یک دیگر مشغولند. در روایت برج بابل برای مرتبه اول می بینیم که تکبر باعث تفرقه در میان انسان است و به درستی همین موضوع در تاریخچه ی سلیمان و تکبر پسرش می بینیم که باعث تقسیم قوم گردیده است (۱- پاد ۱۲) و هم چنین بحثی که بین رسولان در گرفت که می خواستند بدانند کدام بزرگ تر است (لوقا ۲: ۲۴)، اما عیسا با شستن پای شاگردان با فروتنی تام پایه و اساس قوم برگزیده را روشن کرد (۱۳: ۱-۱۷).

انسان ها حتا در داخل خانواده با یک دیگر نیستند و اغلب اوقات، زنان و مردان، والدین و فرزندان احساس می کنند که بین آنها دیواری برپا شده است. هر کس خود را در قفسی از خودخواهی زندانی نموده و می گوید: «هیچ کس مرا درک نمی کند» (آیا خودت سعی می کنی که دیگران را درک نمایی؟). الکل، مواد مخدر، فسق و فجور و جنون جمعی... و به وجود آمدن وسایل تفریحی تصنعی دستاویزهایی هستند که انسان سعی دارد توسط آنها خود را از تنهایی خارج ساخته حصار اطراف خود را بشکند ولی اینها کوشش های بیهوده ای است که به ناامیدی بیشتر می انجامد. جامعه به چرخ می ماند که قسمت مرکزی آن را جدا کرده اند، پره ها شکسته و چرخ دیگر قادر به چرخیدن نمی باشد. هیچ چیز به روال معمولی پیش نمی رود. بدون آفریدگار- که همان قسمت مرکزی چرخ است- انسان ها نه می توانند با یک دیگر ارتباط داشته باشند و نه قادرند خود را جزئی از خلقت کامل خدا نمایند. غررر بابل، اتحاد بین انسان ها و هم آهنگی دنیا را در هم شکسته است. محیط آلوده پس از سقوط انسان پدیدار گشت. گرچه انسان بدین سان از خدا جدا شد و خدا تمام نتایج غرور و خودخواهی را بر وی آشکار نمود و اجازه می دهد تا در اعماق مهلکه و پریشان حالی خود کاوش نماید اما او را تنها رها نمی کند. خدا به آفرینش مجلد دنیای سقوط کرده و ایجاد «آفرینش جدید» اقدام نموده که در دو مرحله در حال تکوین است:

الف - او پسر خود را فرستاد تا با انسان شدن از راه تن گیری، با میخکوب کردن نقص های انسان کهنه بر صلیب، با رستاخیز، سرشت سقوط کرده ی انسانی و با بالا بردن آن تا آسمان توسط صعود خود، انسان جدید، «آدم» جدید، عیسا مسیح، «خدا-انسان» را بیافریند.

ب - به جهت این که فرد فرد ما و همه ی انسان ها بتوانیم با هم به انسان جدید پیوند بخوریم و «همه با هم این انسان کامل را بسازیم که کمال مسیح را تحقق می بخشد» (افس ۴: ۱۳). او روح القدس را می فرستند و این امر در روز بنطیکاست واقع می شود.

### سوال برای تعمق بیشتر:

- ۱- چه ارتباطی ما بین تکبر، عدم تفاهم و تفرقه وجود دارد؟
- ۲- چه ارتباطی ما بین فروتنی و اتحاد وجود دارد؟ (یو ۱۳: ۱-۱۷؛ ۱-۱۲؛ ۲۰-۲۱).

## قسمت دوم پنطیکاست

آن ندایی کاصل هر بانگ و نواست خود ندا آنست و این باقی صداست  
ترک و گرد و پاریسی گو و عرب فهم کرده آن ندا بی گوش و لب  
خود چه جای ترک و تاجیکست و زنگ فهم کرده آن ندا را چوب و سنگ (مشوی، اول، ۹-۲۱۰۷)

(قبل از خواندن متن ذیل، اعمال رسولان ۲: ۱-۳۸ بخوانیم)

### الف - کمال عید گذر، روز پنجاهه

پنطیکاست، واژه ای است یونانی به معنای پنجاهمین روز عید گذر، پنجاهمین روز بعد از رستاخیز مسیح و نیز روزی می باشد که یهودیان به یاد روز استقرار لوح های تورات بر کوه سینا آن را جشن می گرفتند و اورشلیم مملو از یهودیان بیگانه ای می شد که از اطراف و اکناف دنیای شناخته شده آن زمان برای برگزاری مراسم این روز می آمدند. این بیگانگان را دیاسپورا یا «پراکنده شدگان» می نامیدند.

چند روز قبل از آن، شاگردان که «عدد اسامی ایشان جملگی قریب به صد و بیست بود» و همه به گرد رسولان و مادر عیسا جمع شده بودند به پیشنهاد پطرس به انتخاب رسول دوازدهم برای جانشینی یهودا مبادرت ورزیدند. پس دو شاگرد یعنی یوستس و متیاس که از روز تعمید مسیح تا روز صعود همراه رسولان بوده و بنابراین شاهد رستاخیز عیسا بودند معرفی شدند. پس از این که از خداوند در خواست کردند که «بنما کدام یک از این دو را برگزیده ای» قرعه به نام ایشان افکندند و قرعه به نام متیاس بیرون آمد.

این شاگردان همان طور که عیسا دستور داده بود در اورشلیم به انتظار «مدافع» دیگر که عیسا قبل از صعودش آمدن وی را وعده داده بود نشسته بودند. انتظاری آمیخته با امیدواری شادی بخش. بالاخره آنها کسی را که عیسا درباره اش چنین گفته بود: «رفتن من برای شما مفید است زیرا اگر نروم مدافع نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم او را نزد شما می فرستم» (یو ۱۶: ۷) خواهند شناخت. حال که عیسا رفته و به دست راست پدر نشسته (مر ۱۶: ۱۹) به وعده ی خود عمل می کند.

پس آن روز، روزی بود که موسا، شریعت را به آنها داده و روزی که عیسا روح القدس را به آنها عطا کرد زیرا «شریعت به وسیله ی



موسا عطا شد اما فیض و راستی به وسیله ی عیسا مسیح رسید.» (یوا: ۱۷).  
 «چون روز بنطیکاست رسید، به یک دل در یک جا بودند. که ناگاه آوازی چون صدای وزیدن باد شدید از آسمان آمد و تمام آن خانه را که در آن جا نشسته بودند پراساخت. و زبان های منقسم شده مثل زبان های آتش بدیشان ظاهر گشته، بر هر یکی از ایشان قرار گرفت و همه از روح القدس برگشته به زبان های مختلف به نوعی که روح بدیشان قدرت تلفظ بخشید به سخن گفتن شروع کردند. و مردم یهود دیندار از هر طایفه زیر فلک در اورشلیم منزل می داشتند. پس چون این صدا بلند شد گروهی فراهم شده در حیرت افتادند زیرا هر کس لغت خود را از ایشان شنید و همه مبهوت و متعجب شده به یک دیگر می گفتند: «مگر همه ی اینها که حرف می زنند جلیلی نیستند پس چون است که هر یکی از ما لغت خود را که در آن تولد یافته ایم می شنویم؟ پارسیان و مادیان و علامیان و ساکنان جزیره و یهودیه و کپدکیا و تیطس و آسیا و فریجیه و پمقلیه و مصر و نواحی لیبیا که متصل به قیروانست و غربا از روم یعنی یهودیان و جدیدان و اهل کریت و عرب انیها را می شنویم که به زبان های ما ذکر کبریایی خدا می کنند.» پس همه در حیرت و شگفت افتاده به یک دیگر گفتند این به کجا خواهد انجامید؟ اما بعضی استهزاء کنان گفتند که از خمر تازه مست شده اند!»

پس پطرس با آن یازده برخاسته آواز خود را بلند کرده بدیشان گفت: «ای مردان یهود و جمیع سکنه ی اورشلیم، این را بدانید و سخنان مرا فراگیرید. زیرا که اینها مست نیستند<sup>۱</sup> چنان که شما گمان می برید زیرا که ساعت سوم از روز است (ساعت نه صبح) بلکه این همان است که یوئیل نبی گفت: که خدا می گوید در آخرین مرحله ی زمان چنین خواهد بود که از روح خود بر تمام بشر خواهیم ریخت... و آیات را به ظهور آورم... قبل از وقوع روز عظیم مشهور خداوند. و چنین خواهد بود که هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت» (اع ۲: ۱-۱۷، ۱۹-۲۱).

### ب - شهادت پطرس

پطرس، نام عیسی ناصری را تمجید می کند و می گوید: «این شخص... شما او را گرفته و با میخکوب کردن وی به دست گناهکاران (یعنی رومیان مشرک) سبب مرگ وی شدید ولی خدا وی را از موت برخیزانید و او را از زندان مردگان رهایی بخشید» در واقع داود از قبل (در مزمو ۱۶: ۱۷) رستاخیز مسیح را که نفسش در عالم اموات ترک نشد و جسمش مبتلا به فساد نگردید<sup>۲</sup> پیش بینی کرده و اعلام نموده بود خدا همان عیسا را از مردگان برخیزانید و ما همه شاهد بر

۱- یادآوری کنیم همان طور که گفته شده شراب یکی از نشانه های روح القدس می باشد (ر. ک افس ۵: ۱۰).

۲- مزمو ۱۶: ۱۰ می گوید: «چنانم را در عالم اموات ترک نخواهی کرد قدوس خود را تنها نخواهی گذاشت که فساد ببیند» آیا به استناد این مزمو می توان گفت که خدای قادر مطلق اجازه نداد مسیح خود تباهی را ببیند، و کسی دیگر مثلاً یهودای اسخرویوطی را شبیه عیسا ساخت که او را مصلوب کنند؟ در يك گروه به نام دوستیزم Docetism و بعضی از گنوستی ها چون جسم هیچ اهمیتی نمی دادند فکر می کردند که عیسا مسیح ظاهراً جسم داشته بنابراین ظاهراً رنج کشیده و مرد. تنها بی ایمانان اشتباه کرده فکر کردند عیسا را مصلوب نکردند و از دیدگاه ایشان غیرممکن بود که پسر خدا که تا به ابد نامیراست نمی توانست واقعاً انسان شده رنج بکشد.

البته خدا قادر است: «پدر قادر مطلق و بزرگ در محبت» خواست ما را از راه صلیب و رستاخیز یکتا پسرش عیسا مسیح ما را نجات دهد. ما را هیچ وقت فریب نداده، به صورت ظاهر نجات ما را بر پا ننموده، و پولس رسول با تأکید اعلام می کند: «هر گاه مسیح بر نخواست است ایمان شما باطل است و شما در گناه خود هستید» (۱-قرن ۱۵: ۱۷).

آن هستیم و اکنون به دست راست پدر بالا برده شده روح القدس موعود را از پدر دریافت نموده و آن را پراکنده می کند و این آن چیزی است که اکنون می بینید و می شنوید... پس جمیع خاندان اسرائیل یقیناً بدانید که خداوند همین عیسا را که شما مصلوب کردید خداوند و مسیح ساخته است... توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسا مسیح به جهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت زیرا که این وعده است برای شما و فرزندان شما و همه آنانی که دورند...» پس ایشان کلام او را پذیرفته تعمید گرفتند و در همان روز تخمیناً سه هزار نفر بدیشان پیوستند (اع: ۲: ۴۲-۴۷).

### ج - تعمق کلیسا

این چنین است شرح پنطیکاست که لوقا در باب دوم اعمال رسولان روایت کرده و ما با خواندن سرود مخصوص پنطیکاست آن را به یاد می آوریم:



- ای روح القدس آفریننده  
که در آغاز بر فراز آب ها در پرواز بودی  
و با دم تو همه ی هستی جان یافت  
بدون تو هر موجودی در می گذرد  
و به نیستی باز می گردد،  
بر ما فرود آی ای روح القدس!

- ای روح القدس روشنایی بخش  
که مردان خدا و پیامبران روزگار گذشته  
گفتار و کردارشان به الهام تو بوده است.  
تو که به قدرت خود آنان را مسلح نمودی  
تا به کلام جاودانی شهادت دهند  
بر ما فرود آی ای روح القدس!



ای روح القدس احیا کننده ،  
ای قدرت حضرت اعلا که  
مریم عذرا را به زیر سایه ی خود گرفتی  
تا «مادر پسر خدا» گردد  
و در دامن وی،  
آشیانی پاک و مهیا برای پذیرفتنش فراهم آوردی  
بر ما فرود آی ای روح القدس!





ای روح القدس تقدیس کننده  
 که به عمل تو عیسا  
 به حکمت ز فیض برومند گردید  
 تو که چون کبوتری  
 به روز تعمیدش، بروی فرود آمدی تا قدوسیتش را نشان دهی  
 و چون شاهد امین پدر، ملّیس به قدرت گردد  
 بر ما فرود آی ای روح القدس!

ای روح القدس الهام بخش  
 که به پسر خدا، افزون از حد اعطا گردیدی  
 و به همراهت برای تجربه شدن به صحرا هدایت گردید  
 که با تو وقتی دید که شیطان چون اخگری از آسمان به زیر افتاد  
 از شادی بر خود لرزید،  
 بر ما فرود آی ای روح القدس!

ای روح القدس جاودان  
 که به همراهت مسیح، سرور قربانی گذار ما  
 خود را چون قربانی بی غل و غش، به خدا تقدیم کرد  
 تا ما از بندهای مرگ برهیم  
 و خدای زنده را خدمت کنیم  
 بر ما فرود آی ای روح القدس!

ای روح القدس مدافع  
 که بر رسولان به شکل زبانه های آتش فرود آمدی  
 و در برابر پادشاهان و مردم  
 وقتی آنان به مسیح و رستائیزش شهادت می دادند  
 از درون آنها سخن گفتی  
 بر ما فرود آی ای روح القدس!



ای روح القدس تسلی بخش  
 که از طریق تو فرزندان خدا شده ایم  
 تو که ما را معبد زنده ی حضور الاهی

خود می گردانی و با انفاس وصف ناپذیر  
در ما شفاعت می کنی  
بر ما فرود آی ای روح القدس!



ای روح القدس توان بخش  
که از طریق تو تمام اجزای کلیسا جان گرفته،  
هدایت شده و تقدیس یافته اند  
در هر یک از اجزای آن ساکن گردیده ای  
تا روزی به تن های میرای ما زندگانی ببخشی  
بر ما فرود آی ای روح القدس!



خداوندا  
از تکبر، سنگدلی و هر بدی  
و از هر طمع ناپاک  
ما را حفظ فرما!  
خداوندا  
از خودخواهی، عدالت بی روح،  
تنگ نظری و خودبینی  
ما را حفظ فرما!

ای روح القدس، خداوند و سرچشمه ی حیات  
آفریننده ی هفت موهبت،  
خداوندا ما را تقدیس گردان!

(نیایش کلیسای اسقفی)

#### د - زیانه های آتشین

روایت پنتیکاست سؤال برانگیز بوده بنا بر این تأمل و تعمق بیشتری در متن کتاب مقدس را می  
طلبد.

جوان: درست است، من سؤال های زیادی دارم. در وهله ی اول چرا روح القدس به شکل «زبان های  
آتش» نازل شد؟



پیر: انسان ها با زبان تکلم می نمایند و زبان آتش نوعی زبان خداست. پس هر شاگردی که این زبان  
بر روی قرار می گیرد زبان به اعلام سخن خدا می گشاید و پس از نزول روح القدس به حامل این سخن



تبدیل می‌گردد. به همین دلیل است که پطرس بلافاصله به اعلام رستاخیز مسیح پرداخت در حالی که «از دست دیگر رسولان معجزات و علامات بسیار صادر می‌گشت» (اع: ۲: ۴۳).

**جوان:** چرا گفته شده است که «زبان‌ها منقسم شده و بر هر یکی از ایشان قرار گرفت»؟  
**پیر:** عطیه‌ی روح القدس اختصاصی است یعنی هر یک از شاگردان شخصاً آن را دریافت می‌نماید. با این وجود روح القدس یکتا بوده و همان آتش ربّانی است که بر همه نازل می‌شود (آتش ربّانی را که در زمان ایلای نبی بر قربانی وی نازل شد به خاطر بیاور ۱ پاد: ۱۸: ۳۶-۳۹)، ولی برای نمایاندن این که روح یکتا به همه تعلق می‌گیرد منقسم می‌گردد.

**جوان:** در بابل هم زبان‌ها تقسیم شدند.  
**پیر:** کاملاً صحیح است! آن چه در روز پنطیکاست می‌گذرد درست عکس آن چیزی است که در بابل گذشته بود.

در بابل، زبان‌های انسان‌ها، در نتیجه‌ی غرور و تکبر منقسم می‌شوند به طوری که انسان‌ها دیگر نمی‌توانند هم دیگر را درک نمایند و خود آنها نیز تقسیم شده، از یک دیگر جدا گشته و پراکنده می‌گردند.

اما در روز پنطیکاست عطیه‌ی خدا برای متحد کردن همه‌ی آنها منقسم می‌شود و بر همه‌ی آنها قرار می‌گیرد. از این پس انسان‌هایی که روح القدس را دریافت می‌دارند فقط یک سخن را که سخن خداست اعلام می‌کنند و چون آنها به همه‌ی زبان‌ها تکلم می‌نمایند<sup>۳</sup> پس همه‌ی انسان‌ها سخن آنها را درک خواهند نمود. موانع زبانی توسط سخن یکتای خدا برطرف می‌شود چون این سخن از راه عطیه‌ی زبان برای همه قابل فهم خواهد بود. این موضوع در بندگردانی که در کلیسای بیزانس در روز پنطیکاست خوانده می‌شود بیان شده است: «در زمان برج بابل خدای تعالی نزول کرد تا زبان انسان را متفرق سازد و امت‌ها را پراکنده کند. اما امروز چون زبان‌های آتشین را پراکنده کرد همه‌ی ما را به اتحاد دعوت می‌کند. پس بیایید با یک زبان روح القدس خدا را سپاس گوئیم».

**جوان:** چرا زبانه‌های آتش بر تمام انسان‌ها نازل نشد بلکه فقط بر شاگردان قرار گرفت؟  
**پیر:** زبان‌ها بر کسانی نازل شد که عیسا آنها را برای قبول روح القدس آماده کرده بود و آنهایی که در ایمان به عیسا رستاخیز کرده با یکدلی جمع شده بودند (اع: ۱: ۱۴). برای دریافت «عطیه» بایستی به «عطا کننده» ایمان آورد. روح بر جهان نازل نشد چون «جهان نمی‌تواند آن را قبول کند زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد» (یو: ۱۴: ۱۷). روح بر آنهایی نازل شد که عیسا آنها را به خاطر این که به او ایمان آورده بودند جمع کرد. روح بر کلیسا نازل شد. درست است که روح

۳- درباره‌ی تکلم به زبان‌ها ر. ک. ۱ قرن باب ۱۲-۱۴. اما در روز پنطیکاست آیا عطایای تکلم به زبان‌ها به همه‌ی رسولان داده شده است (اع: ۲: ۴) یا به همه داده شده است که سخن پطروس را به زبان خود درک نمایند (اع: ۱۴)، به هر صورت معنی این اتفاق نشانگر این رازی باشد که روز نزول روح القدس، همه‌ی امت‌ها مؤده‌ی مسیح را درک کرده قبول می‌کنند که همان طور که کلیسا در کمال در روز آخر خواهد رسید. (مر: ۱۳: ۱۰).

یک عطیه‌ی شخصی بوده و هر کسی آن را شخصاً دریافت می‌دارد اما این دریافت زمانی روی می‌دهد که همه با هم هستند: «چون روز پنطیکاست رسید به یک دل در یک جا بودند» (اع ۲: ۱). آنها به یک باره دچار تحول اساسی شدند و دریافتند که سخن خدا در درون آنهاست. پس به آشکار نمودن آیات خدا به تمام زبان‌ها مشغول شدند و پطرس هم با شجاعت رستاخیز شخص مصلوب شده را به خود مصلوب کنندگان اعلام نمود.

پنطیکاست



شمایل روسی قرن ۱۵ میلادی

در مرکز شمایل، حضرت مریم را می‌بینیم که گویا دو برابر روح را می‌پذیرد و دور تا دور جسمش پرتوهای آتشین دیده می‌شود؛ در واقع از روز مژده‌ی جبرائیل مملو از روح شده تا عیسا را به دنیا بیاورد و حال راز کلیسا را در کمال خود اظهار می‌کند.

برای تفسیر هر چه بهتر این شمایل باید از نزدیک و با دقت به آن نگریست تا معنی عمیق آن را بیشتر درک کنیم. این شمایل هنر معاصر که امروزه نمونه‌های آن در شهر مسکو دیده می‌شود به قرن پانزدهم میلادی بر می‌گردد. در این شمایل، مجدد به تعمق در سمبول‌های شمایل اول پی می‌بریم که آسمان باز شده و زبانه‌های آتشین به سوی رسولان نزول می‌کند و دوازده رسول در آرامش و اتحاد کامل با هم گویا در کلیسایی نشسته‌اند.

اما با تعجب می بینیم که در اتحاد این گروه، می توان حضور پولس رسول در برابر پطرس و احتمالاً حضور مرقس جوان را نیز دید، با علم به این که این دو نفر شامل گروه دوازده رسول نبودند، بنابراین، در این جا موضوع فقط دوازده رسول مطرح نیست بلکه موضوع مسئله ی مأموریت تمام کلیسا می باشد، یعنی تمام تن مسیح که توسط قدرت روح القدس رشد می کند و در انتظار «پری مسیح که همه چیز را از هر لحاظ پر می سازد» (افس ۱: ۲۲).

گویا همان طور که گفتیم در کلیسا هستیم و رسولان به صورت هلال وار بر روی نیمکتی روبروی هم نشسته اند و همه در یک سطح و یک مرتبه قرار دارند و این به معنی تساوی و برابری افتخار و مسئولیت است. در وسط این هلال، محلی خالی مانده است که به معنی محل مسیح خداوند که کلیسا در انتظار برگشتن پر جلال او می ماند تا به پری خود برسد و تمام کلیسا در این انتظار نیایش می کند: «بیا خداوند عیسا بیا!» (مکا ۲۲: ۲۰)

البته در بعضی از شمایل ها در این محل مرکزی، حضرت مریم نشسته است که این نوع تفسیر زیاد سنتی نیست زیرا در واقع تمام این شمایل نه تنها نشانگر مأموریت کلیسا بلکه راز حضرت مریم است.<sup>۴</sup> این شمایل به سوی بالا به سوی زبانه های آتشین روح که کلیسا باید آن را بپذیرد و نیز به سوی پایین باز است، و در آن پیرمردی را با لباس فاخر و تاجگذاری شده می بینیم که گویا از تاریکی کم کم بیرون می آید و در دست هایش که جهت دعا باز شده و یک شال سفید می باشد که در آن دوازده طومار دیده می شود، پس این نشانه های جدید چه معنا دارد؟

این پیرمرد پادشاه می باشد، نشانگر امت هایی که تدریجاً از تاریکی زندان مردگان بیرون آمده و در دست، کفن خالی آن رستخیز شده را دارند که در آن شهادت دوازده رسول می باشد. این پیرمرد در حالت تولد نوین از تاریکی مرگ (لو ۱: ۷۹) به سوی نور عظیم در رحم پرمیوه و باردار شده کلیسا است و این عمل با قدرت روح القدس می باشد زیرا رسولان با هم بر این پیرمرد دستگذاری می کنند.

در نتیجه می بینیم که دنیا در کلیسا هست، دنیایی که مسیح آن را به رسولان واگذار کرده و دعا می کند که روح القدس حیات بخش بر آن بیاید یا بر آن آمده و آن را منور سازد؛ دنیا در آن رحم مادرانه و با قدرت روح القدس به دنبال مسیح، راز گذر را تجربه می کند یعنی آزاد شدن از قدرت گناه و منور شدن در خلقت نوینی که در تجلی مسیح از «جلال به جلال» تجلی می یابد (۲ قرن ۳: ۱۸).

بنابراین، درک می کنیم که کلاً این کلیسای باردار شده و در حال زایمان، تجربه خود مریم عذرا را در بر دارد که باروری آن توسط روح القدس، مسیح را به دنیا آورد پس بهتر است او را در این شمایل جای ندهیم که او را کوچک نسازیم چون او شمایل کلیسا است که به کمال تقدس و باروری خواهد رسید.<sup>۵</sup>

۴- ظاهرآ در این شمایل، هم چنین بعضی وقت ها در کلیسا، زنان اهمیت ندارند ولی در واقع اگر جلوتر قرار ندارند اما در قلب کلیسا حاضرند چون در محبت و عرفان هستند.

۵- این تعمق از کتاب الاهدان روسی به نام Art de l icone- Paul Evdokimov.

اما در این شمایل جای ما کجاست؟ ما توسط راز تعمید و تثبیت روح القدس «معبد روح القدس» شده ایم (۱ قرن ۷: ۱۹) و در راز و مأموریت عیسا شریک شده ایم؛ به ما داده شده است که توسط همکاری با روح القدس در زندگی خود به مسیح شهادت داده و در میان رسولان جاگیریم زیرا در مأموریت رسولی کلیسا مسئولیت داریم.

اما ما نیز گناهکار هستیم و در حالت بیرون آمدن از تاریکی مرگ، همراه با آن پیرمرد بیرون آمده و به سوی زندگی واقعی قدم بر می داریم و کوشش می کنیم زندگی خود را دگرگون ساخته دعوت های روح القدس را اطاعت کنیم و در کار رستاخیز با او مشارکت داشته باشیم.

بنابراین، با تماشای این شمایل در تعمق این کلیسا فرو رفته و نیایش کنیم و در روح القدس با یکتا استغاثه عیسا مسیح در جلال شریک شده و از پدر بطلبیم که همه وقت روح القدس را بر ما بفرستد (یو ۱۶: ۷).

### ح - آتش در کلیسا!

ما بین اولین پنتیکاست و تحقق آمدن ملکوت آسمان، دوره ی رسالت کلیسا قرار دارد و چنان که بعداً خواهیم دید، مبتنی بر ادامه ی رسالت عیسا می باشد. بله در حد فاصل میان صعود و بازگشت پرجلال مسیح، دوره ی روح القدس و دوره ی کلیسا همراه با رسالت آن قرار دارد. نزول روح القدس از پنتیکاست به بعد همیشگی بوده و تا روز آخر برای تقدیس شاهدان رستاخیز فرود می آید. این امر را شمعون، الهی دان قرن دهم چنین شهادت داده است:

«از راهبی که مرا محرم اسرار خود قرار داده بود شنیدم که همیشه به هنگام برگزاری آیین قربانی مقدس و همانند موقعی که اسقف اعظم دعای مخصوص آشنایی و ورود به اسرار زندگی رهبانی را برای او خوانده و کتاب مقدس را بر بالای سر وی گذارده بود روح القدس را می بیند. از او پرسیدم که آن را به چه شکل و تصویر دیده است؟ در جواب گفت: «به صورت بسیار ابتدایی و به شکل نور» و خودم نیز هنگامی که آن را اولین بار مشاهده کردم در تعجب فرورفته با خود به استدلال پرداختم که این چه می تواند باشد که صدایی اسرارآمیز ولی واضح به من گفت: «بر انبیا و رسولان و نیز بر تمام برگزیدگان کنونی خدا و قدیسن به همین شکل نازل می شوم زیرا روح القدس هستم».

خوب این اجتماع شاهدان رستاخیز مسیح، این برگزیدگان خدا که روح القدس آنها را تقدیس می نماید همان چیزی است که کلیسا را تشکیل می دهد و هر یک از ما برای پیوستن به جمع برگزیدگان دعوت شده ایم. کلیسا همان پنتیکاست می باشد که در حال تداوم است.



## «خلاصه ی تعلیمات رسمی»

زیر عنوان «به روح القدس ایمان دارم» می خوانیم:

۱۴۳- مابین روح القدس و عیسیای مسیح در زمان مأموریت زمین او چه ارتباطی وجود دارد؟  
پسر خدا از زمان تن یافت خود، توسط مسح روح القدس به عنوان مسیح، در انسانیت اش تقدیس شده است. او در تعلیم خود، روح القدسی که وعده عهد قدیم را به کمال می رساند آشکار می سازد، و با دمیدن به رسولان بعد از رستاخیزش او را به کلیسای نوپا منتقل می سازد.

۱۴۴- در روز پنجاه چه اتفاقی رخ داد؟

در روز پنجاهه، یعنی پنجاه روز بعد از رستاخیزش، عیسیای مسیح جلال یافته، روح القدس را به وفور جاری ساخت، و او را به عنوان شخص جدایی آشکار ساخت که به این صورت، راز سه گانه اقدس کاملاً مکشوف گردیده است. مأموریت مسیح و روح القدس «مأموریت کلیسا می گردد که جهت اعلام و منتشر کردن راز مشارکت سه گانه اقدس، فرستاده شده است. «ما نور راستین را دیده ایم، روح آسمانی را پذیرفته ایم و ایمان حقیقی را یافته ایم: سه گانه اقدس نامرئی را می پرستیم، زیرا همان اوست که ما را نجات داد» (سرود عید پنجاهه در آئین کلیسای بیزانس).

۱۴۵- کار روح القدس در کلیسا چیست؟

روح القدس، کلیسا را تهذیب می کند، آن را جان می دهد و آن را تقدیس می گرداند، به عنوان روح پرمحبت، او شباهت خدایی که انسان به خاطر گناه از دست داده بود، در تعمید شدگان مرمت می کند و آنان را در مسیح با همان زندگی سه گانه اقدس، زنده می سازد. آنان را می فرستد تا به آن حقیقت مسیح شهادت دهند و آنان را در مسئولیت های تکمیلی یک دیگر را برقرار می کند تا همه «میوه ی روح القدس، را دهند (غلا: ۵: ۲۲).

۱۴۶- چگونه مسیح و روح القدس او در قلب ایمان داران عمل می کنند؟

از راه رازهای هفت گانه، مسیح روح القدس خود به اعضای بدنش همراه با فیض خدایی که میوه های زندگانی نوین، طبق روح القدس را بار می آورد منتقل می سازد. و در آخر، روح القدس، استاد نیایش می باشد.

## سؤال برای تعمق بیشتر:

- ۱- لوقا در اعمال رسولان روایت می کند نزول روح القدس پنجاه روز بعد از عید گذر یهودیان بوده: از این دیدگاه معنی ارتباط مابین نزول روح القدس و عید پنجاهه یهودیان چیست و چرا پنجاه روز بعد از عید گذر یهودیان به تحقق پیوست؟
- ۲- قبل از روز پنجاهه، رسولان در کجا و با چه کسانی بودند؟ و چه کار می کردند؟
- ۳- مابین ظهور خدا به موسابیر کوه سینا و نزول روح القدس در اورشلیم چه وجه تشابهی وجود دارد؟ (خروج ۱۹: ۱۶-۲۵؛ تث: ۱۰: ۴-۱۲؛ ۵: ۲۵-۳۱).
- ۴- در ارتباط با نتیجه ی نزول روح القدس بر رسولان در روز پنجاهه چه تفاوتی دارد با تکلم زبان ها طبق پولس رسول (۱-قرن ۴: ۲۷)؟
- ۵- در ارتباط با زندگی امروز به چند موقعیت اشاره کنید که در کلیسا روح القدس به مسیحیان داده شده است؟
- ۶- در روز پنجاهه فقط روح القدس به رسولان داده شده است؟ و امروز آیا فقط به مسیحیان داده می شود (یو: ۱۲: ۳۳، ۱- تیمو: ۴: ۶)؟ چرا؟ مابین اعطا به رسولان و اعطا به دیگر انسان ها در روز پنجاهه چه تفاوتی است؟

## کتاب برای مطالعه ی بیشتر:

- ۱- در طلب روح القدس
- ۲- فرازهایی از کتاب مقدس: روح القدس
- ۳- مباحثی چند درباره ی روح القدس از دیدگاه کتاب مقدس
- ۴- تحقق وعده: نزول روح القدس